

رسول سپهر

درویشی چیست؟



سیر و سلوک بلائی علی (ع) به پیروی از گفتار و کردار آنحضرت با متابعت کامل از شریعت محمدی (صلی) برای رفتن بسوی خدای تعالی و رسیدن بمقام صدق و صفارا درویشی یا صوفیگری نامند. و اولین قدم پمیدان درویشی یا تصوف ترك خودبینی و خوپرستی و توبه از بدیها و پلیدیها است. و حرکتی است از شریعت بسوی معرفت و از معرفت بوادی حقیقت. و عبارت دیگر طریقت سفری است از علم الیقین به عین الیقین و به حق الیقین و بقولی دیگر. شریعت چراغ است و طریقت راه معرفت بینائی و حقیقت مقصد و

رضاقلی خان هدایت در ریاض العارفین مینویسد که طریقت را چهار سیر است: الی الله . بالله . فی الله . مع الله و آورده است که از مولا علی (ع) پرسیدند تصوف چیست حضرت فرمود تصوف چهار حرف است تا . صاد . واو . فا

تا اشاره است بمقام : ترك . توبه . تقاء

صاد اشاره است بمقام : صبر صدق . صفا

واو اشاره اشاره است بمقام : ورد . ود . وفا

فا اشاره است بمقام : فرد . فقر . فنا .

و در قطعه شعری منسوب به یکی از شاعران در معنی درویش چنین گفته

شده که درویش پنج حرف است دروی ش .

دال . دلیل آنکه با درد بسازد بمضمون البلا للولا

را . دلیل آنکه ریا نکند

واو . دلیل آنکه وداع غیر مولا کند

یا . دلیل آنکه یکرنگ باشد

شین . دلیل آنکه شکر کند و شکایت نکند .

هر که دارای این پنج خصلت بوده باشد او درویش است .

اما شیخ اجل سعدی در گلستان میفرماید در چگونگی تصوف که در ایام

پیشین طایفه بودند بظاهر پریشان و بیاطن جمع و در زمان ما گروهی بظاهر جمع

و بیاطن پریشان و در حقیقت درویشی چنین میگوید :

ای که انکار کنی عالم درویشان را

توجه دانی که چه سود او و سراسر ایشان را

و ملا هادی سبزواری میگوید :

آتش آن نیست که در وادی ایمن زده‌اند

آتش آن است که اندر دل درویشان است.

و لسان الغیب حافظ فرماید :

روضه خلد برین خلوت درویشان است

مایه محتشمی خدمت درویشان است

آنچه زر میشود از پرتو آن قلب سیاه

کیمیائی است که در صحبت درویشان است

و مولوی در مثنوی معنوی در مقام درویشی آورده ،

نیستی چون هست بالاین طبق از همه بردند درویشان سبق

و خواجه عبدالله انصاری در مقام نیستی و درویشی چنین میگوید :

خوش عالمی است نیستی هر جا ایستی کسی نگوید کیستی.

و در چگونگی درویش گوید :

درویش خاککی است بیخته و آبی بر او آمیخته .

نه کف پا را از آن گردی و نه پشت پا را از آن دردی و تا کسی از غرور

و جهل دنیوی روی برنتابد در سلک درویشی در نیاید .

و در مناجات گوید :

الهی هر که را خواهی براندازی با درویشان در اندازی

الهی توانگران بزروسیم نازند و درویشان با نحن قسمنا سازند نحن قسمنا

در سوره زخرف در قرآن کریم است در آیه زیر :

« نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق بعض

درجات لیتخذ بعضهم بعضاً سخریاً و رحمت ربك خیر مما یجمعون »

تفسیر آن بشرح زیر است که خدا میفرماید :

مائیم که معاششان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده ایم و آنها را بمرتب بالای یکدیگر برده ایم تا همدیگر راه بسخره گیرند اما رحمت پروردگار از مالی که جمع میکنند بهتر است .

صفی علیشاه در عرفان الحق در عظمت مقام درویشی میگوید که ابراهیم ادهم گفت چشم از سلطنت بلخ دوختم و آن را با سلطنت فقر فروختم .
و در کیفیت درویش و درویشی میگوید :

درویش از دو عالم رست و نداند که عالمی هست چون ندارد تا تو گوئی چون بود . رازش نهفتنی است و حرفش نگفتنی درویش نه جهانی داند و نه در جهانی ماند اگر در مقامی مانده درس درویشی را درست نخوانده .

خلاصه هر يك از اهل تصفیه را در معنی تصوف بیانی است و از مقام خود نشانه و برهانی . جنید فرماید صوفی چون زمینی است که هر قبیحی دراو ریزند از او نروید مگر ملیح و دیگری گفته صوفی بمثل گوهری است که درستش قیمت دارد و شکسته اش قوت . کاملش گنج است و ناقصش دفع رنج .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

بر خلاف کسانی که از راه تعصت ورود لغات تازی را در بزبان دری همردیف ورود لشگریان عرب بایران میپندارند من تصور میکنم امتزاج عربی با دری باعث پیدایش زبانی شد که قدرت بیان و دایرة تعبیرات آن وسیع تر بود .

« قلمرو سعدی »